

اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان

عباس صادقی

تاریخچه جشن اول ماه مه

با پیدایش و انکشاف شیوهی تولید سرمایه‌داری، دو طبقه جدید با برضی وجود گذاشته و شروع به رشد کردند. از یکسو بورژوازی که صاحب وسایل تولید بود و برای در هم شکستن قیود فئودالی مبارزه می‌کرده و از سوی دیگر طبقه کارگر که از ابتدا در یک تضاد آتشی ناپذیر با بورژوازی قرار داشت، ولی در مراحل اولیه‌ی رشد خود در کنار دهقانان و در پشت سر بورژوازی علیه فئودالیسم یعنی دشمن مشترک مبارزه می‌کرد. با انقلاب صنعتی و پیدایش صنعت جدید، طبقه کارگر روز بروز متکامل تر شده و برای بدست آوردن حقوق خود علیه دشمن مستقیم خود طبقه سرمایه‌دار به پیکار پرداخت. این مبارزات پرولتاریا از شکستن ماشینها شروع کردند ولی تدریجا کارگران بگفته‌ی مارکس فرا گرفتند که:

"بسی ماشین و کار بسگردش بوسیله سرمایه فرق گذارند و حمله‌ی خود را علیه ابزار تولید بکار نبرده بلکه آنها بر ضد شیوه‌ای که مورد استفاده قرار می‌گرفت جهت دهند."

مبارزات درخان پرولتاریای پاریس در انقلاب فوریدی ۱۸۴۸ با سرکوب ژوئن روبرو گردید و بالاخره در ۱۸۷۱ به تشکیل یک دولت پرولتری که دو ماه دوام یافت منجر گشت. این تجارب طبقه کارگر به مارکس آموخت که پرولتاریا در مبارزات خود علیه سلطه سرمایه نمی‌تواند بی‌از پیروزی، ما-شین اداری سرمایه‌داری را مستورد استفاده فرار دهد، بلکه بایستی دولت بورژوازی را درهم شکند و دولت نوینی همچون کمون یعنی دیکتاتوری پرولتاریا بر ویرانه‌های دولت سرمایه‌داری بنا نهد. بدینسان سرکوب کمون توسط اتحاد بورژوازی فرانس و اشغالگران آلمان و کشتار

و حسن و تسبیح هزاران نفر از پرولتاریا پاریس، پیکار طبقه کارگر پاریس نیافت. کرجه در دوران اختفای که بوسیله ارتجاع اروپائی تحمیل گردید، برای چند مباحی سکوتی وجود داشت ولی این آرامش قبل از طوفان بود. بر خاکستر کمون جنبش طبقه کارگر نیرومندتر از گذشته برخاست و سراسر اروپا و امریکای سرمایه‌داری را فرا گرفت.

در امریکا طبقه کارگر بیک خیزش بزرگ دست زد. در روز ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۷ کارگران امریکا به اعتصاب دست زدند. این اعتصاب ابتدا در شهر مارتینزبورگ در ویرجینیا برای اعتراض بکاهش دستمزد صورت گرفت و پس از آن بدیگر نقاط گسترش یافت و سبب متوقف شدن صنایع مهم و راه آهن گردید. نیروی پلیس در برابر شور انقلابی کارگران تحمل نیاورده و درسیه‌ها نفاذ به قیام کنندگان پیوست. اداره‌ی شهرها بدست کارگران افتاد. بیش از ده شهر بزرگ امریکا فلج گردید. سرانجام دخالت دولت فدرال و سر نیزه نیروهای نظامی توانست جنبش را سرکوب نماید. ولی دیر زمانی نگذشت که نارضائی کارگران در اواسط سالهای ۱۸۸۰ جنبش اعتصابی دیگری در بسیاری از شهرها بوجود آورد. در حالیکه در سال ۱۸۸۱ کمتر از پانصد اعتصاب در امریکا روی داد و محدود ۱۳ هزار نفر از کارگر آنها در بر میگرفت در سال ۱۸۸۶ تعداد اعتصابات به نزدیک ۱۵۰۰ با حدود نیم میلیون شرکت کنند رسید.

فدراسیون اتحادیه‌های کارگری و صنفی متشکل در سال ۱۸۸۴ قطعنامه‌ی بتجویه رساند که بر طبق آن اعلام میشد که از روز اول ماه مه ۱۸۸۶ طول قانونی روز کار ۸ ساعت خواهد بود. در این قطعنامه گفته میشد که: "خیال پردازی خواهد بود اگر

انتظار رود که استقرار روزکار ۸ ساعته از طریق قانون گذاری انجام پذیرد، و خواست متحد برای کاهش ساعات کار بمنسند سازمانی مستحکم و منضبط بمراتب موثرتر از هزاران قانون خواهد بود که اجرای آن بستگی به حسن نیت سیاستمداران جاه طلب و دولتیان لاشخور صفت دارد."

اعتصاب عمومی بر این نظر استوار بود: "که کارگران در اقدام خود برای اصلاح اوضاع و احوال اقتصادی باید صرفا بخود و قدرت خویش تکیه کنند."

نظریه یک اعتصاب عمومی برای روز ۸ ساعته بر توده‌های وسیعی از کارگران مسلط گردید و در اوایل سال ۸۶ عملیات تهیهی مقدماتی در شهرهای بزرگ صورت گرفت و تظاهرات وسیعی برای ۸ ساعت کار در سراسر کشور بخصوص نیویورک، سن سینتسی، بالتیمور، میلواکی، بوستون، پیتزبورگ، سن لوئیز و واشنگتن برگزار شد ولی قلب جنبش ۸ ساعت کار در شیکاگو بود. در تظاهرات خیابانی که در آوریل در این شهر برگزار شد بیش از ۲۵ هزار نفر شرکت کردند. روز اول ماه مه جنبش در شیکاگو پیروزیهایی بدست آورد. ساعات کار در کارخانه‌های آجوسازی از ۱۶ به ۱۰ ساعت تقلیل یافت و کارگران نانوائی که روزانه ۱۴ تا ۱۸ ساعت کار میکردند، روز کار ۱۰ ساعته بدست آوردند. با اینحال اعتصاب عمومی شیکاگو و شهرهای دیگر را فرا گرفت و هر روز تعداد بیشتری از کارگران به اعتصاب می پیوستند. در روز سوم ماه مه پلیس بروی جمعیتی از کارگران که به اعتصاب شکنان کارخانه‌ی مک کورمیک هجوم آورده بودند، آتش کشید و چهار نفر از کارگران را

کشته و بسیاری را مجروح نمود. کارگران از این جنایت پلیس دولت سرمایه‌داری بسیار خشمگین شده و به اعتراضات خیابانی دست زدند. ۴ مه در میدان هی مارکت میتینگ کارگران مورد یورش یک‌دسته پلیس قرار گرفت. سرمایه‌داران و عواملشان مدتی بود برای در هم شکستن جنبش کارگری به توطئه مشغول بودند. در ۴ مه در هنگام حمله پلیس به میتینگ کارگران بمبی در صفوف پلیس منفجر گردید و بکشته شدن یک پلیس و مجروح شدن عده‌ای منجر شد. پلیس این ساله را علیه کارگران مورد سوء استفاده قرار داد و بر روی جمعیت کارگران آتش‌کشود و سبک‌کنده و مجروح شدن عده‌ی زیادی گردید. ولی علیرغم این جنایت مطبوعات سرمایه‌داری علیه کارگران بکار افتادند و با سوء استفاده از کشته شدن یک پلیس احساسات عمومی را علیه کارگران برانگیختند و به شکار رهبران کارگران پرداختند. عده‌ی زیادی از کارگران آنارشیت و سوسیالیست دستگیر شدند. چهار نفر از آنارشیت‌ها بدار آویخته شدند گرچه هیچ مدرکی در رابطه با بمب‌اندازی علیه آنها وجود نداشت. علیرغم جنایات ارتجاعی بورژوازی کارگران به مبارزات خود ادامه داده و پیروزیهای زیادی بدست آوردند. در یادبود صدمین سال سقوط باستیل کنفرانسی در پاریس تشکیل شد و بین الملل دوم را پایه‌ریزی کرد. بین الملل تصمیم گرفت تا در روز اول ماه مه ۱۸۹۰ در همه‌ی کشورهای تظاهراتی برای خواست روز کار ۸ ساعته برقرار سرمایه‌داران طرح گردد بلکه در برابر دولت سرمایه‌داری نهاده شود. از آنروز کارگران سراسر جهان اول ماه مه را جشن میگیرند تا صف مستقل خود را در برابر صف سرمایه‌شان داده و همبستگی بین‌المللی کارگران را نمایش دهند. در مقابل رژیمهای سرمایه‌داری در سراسر جهان کوشیده‌اند تا جایشکته میتوانند از برگزاری این عید کارگری جلوگیری کنند ولی از سال ۱۸۸۹ رشد

عظیم جنبش کارگری و پیروزیهای بزرگ جبهه‌ی کار علیه سرمایه باعث شده که دولتهای سرمایه‌داری عقب‌نشینی کنند و در برابر برگزاری این جشن کارگران مقاومت ننمایند.

امروزه تنها در فاشیستی تریس حکومتها این روز را برسمیت نمی‌شناسند. سرمایه‌داری آمریکا برای اینکه خاطره‌ی مبارزات عظیم طبقه‌ی کارگر آمریکا و جنایات سرمایه در اواخر قرن ۱۹ را بفراموشی سپارد و دیگری را بعنوان روز کارگر تعیین کرده است

نظری به تاریخ جنبش

کارگری در ایران

جنبش کارگری ایران سه نسل سابقه‌دار دارد. در اوایل انکشاف سرمایه‌داری و در جریان انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی اولین کوششها برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری آغاز گردید. در آن موقع کارگران چاپخانه‌های تهران که تحت تاثیر حزب دمکرات قرار داشتند، اتحادیه‌های خود را تشکیل دادند ولی پس از گرایش به راست در حزب دمکرات و شرکت رهبران در قدرت دولتی این اتحادیه منحل شد. در سال ۱۲۹۷ شمسی کارگران چاپخانه‌های تهران باز اتحادیه‌صنعی خود را تشکیل دادند. آنان پس از چندا اعتصاب دولت را وادار ساختند که لایحه قرار داد دسته‌جمعی را که توسط خود آنان تنظیم شده بود و روابط متقابل کارگران و کارفرمایان را معین میکرد تصدیق نماید. آنها در این مبارزات توانستند تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشند. در این قرارداد هشت ساعت کار روزانه، سیستم پرداخت اضافه‌کار، بهبود شرایط بهداشتی در چاپخانه‌ها و غیره مقرر شد.

این موفقیت نسبتاً بزرگ کارگران چاپخانه‌ها روحیه کارگران دیگر رشته‌ها را فوق العاده بالا برد بطوریکه آنها نیز بتدریج دست به تشکیل اتحادیه‌های خود زدند. در سال ۱۲۹۹ برای رهبری عمومی و امور تعلیماتی و همچنین برای تشکیل اتحادیه‌های تازه شورای اتحادیه‌های تهران تشکیل شد که در آن از هر اتحادیه سه نفر نماینده منتخب شرکت داشتند.

بدین ترتیب در اوایل سال ۱۳۰۱ شمسی ده‌سندیکایا ده هزار عضو کارگری یعنی ۲۰٪ از کل کارگران تهران در شورای سندیکائی عضویت داشتند. علاوه بر آن چندین سازمان کارگری دیگر نیز در شرف تشکیل بودند مانند سندیکای دارو سازان و کارگران تراموا و غیره اتحادیه‌های ایران با وجودیکه تازه تاسیس شده بودند طی ۶ ماه آخرا سال ۱۳۰۰ به چند اعتبار موفقیت آمیز دست زدند نظیر اعتبار کارگران نانواشی‌های تهران، کارگران چاپخانه، اعتبار کارگران پست و غیره. تمام این اعتبارات جنبه صرفاً اقتصادی داشت فقط اعتبار معلمان مدارس ملی در سال ۱۳۰۰ که ۲۱ روز طول کشید سرانجام بصورت تظاهرات سیاسی در آمد و موجب سقوط کابینه قوام السلطنه شد. بدین ترتیب اتحادیه‌های صنعی رفته رفته شروع به ایفای نقش چشم‌گیری در محنه سیاسی ایران کردند. اتحادیه‌ها یک دفتر مرکزی هم داشتند که در سال ۱۳۰۱ شمسی تاسیس شده و جزو اتحادیه‌های سرخ بین‌المللی (پروفاشیت) بود. نمونه‌ی تهران در چند شهرستان دنبال شد. دو سال قبل از آن در تبریز اتحادیه‌ای بنام "حزب کارگر" تشکیل گردیده بود. در او خراسان ۱۳۰۰ این سازمان حدود ۳۰۰۰ عضو داشت. از بین اتحادیه‌های کارگری در نقاط دیگر ایران نیرومندترین آنها اتحادیه کارمندان و کارگران شیلات دریای مازندران بود که ۵ هزار عضو داشت (از بین ۹ هزار کارگر). در بین اتحادیه‌ها، اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها بیش از همه سیاسی بود و از جمله پایه‌گذاران آن سید محمد دهگان بود. این اتحادیه و اتحادیه پارچه‌بافها بیش از سایر اتحادیه‌ها درگیر اعتبار و مبارزه بودند ولی اعتبار کارگران پارچه‌باف معمولاً در اشکمی مزید بود، در صورتیکه اعتبار کارگران چاپخانه‌ها بارها به حمایت از آزادی و علیه رجوع بصورت گرفت. از جمله در یک مورد اعتبار کارگران چاپخانه منجر به لغو دستور توقیف ۱۴ روزنامه (از جمله حقیقت و کار ارگان رسمی کارگران) گردید. سید مرتضی حجازی بود که از سالگی در

یکی از چایخانه‌های تهران به حرفه‌چینی مشغول شود در مشکل کردن کارگران چایخانه‌ها نقش فعال داشت و در سال ۱۳۰۷ بوی شرکت در کنفرانس چهارم اتحادیه‌های بین‌الملل سرخ (پروفینترن) به مسکوفرت ورژیم پهلوی که از نماینده‌های انقلابی و ل‌ما مه کارگران تهران به‌راس افتاده بود، حجازی را در بازگشت به ایران دستگیر و به زندان انداختند و سرانجام پس از شکنجه‌های رضاخانی در سال ۱۳۰۷ شهید شد.

پس از تصویب قانون سیاه ۱۳۱۰ رضاخان سرکوب کارگران بمراتب شدید تر شد و با دستگیری تقریباً کلیه فعالین جنبش کارگری و اختناق حاکم بر مناطق کارگری، فعالیتها تضعیف گشت. تجدید حیات جنبش کارگری در سالهای جنگ بین‌الملل دوم و پس از شهریور ۲۰ صورت گرفت. با وجود اینکه در این دوران سیاست انحرافی و فرمیستی حزب توده بر جنبش کارگری مسلط گردید، اتحادیه‌های کارگری با استفاده از شرایط دمکراتیک دوران جنگ و پس از جنگ رشد قابل توجهی نمودند و موفقیت‌های چشمگیری در تأمین حقوق خود داشتند. پس از توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ علیه نیروهای مترقی، سندیکا‌های کارگری همراه سایر تشکلهای سیاسی محدود گردیدند و تنها در سالهای ۲۹-۳۲ که جنبش فدا میریالیستی و دمکراتیک به رهبری مصدق اوج گرفت جنبش کارگری نیز امکان رشد یافت گرچه همچنان بطور عمده سیاست انحرافی حزب توده بر آن حاکم بود. پس از کودتای امریکائیی ۲۸ مرداد و بازگشت شاه خائن همه نیروهای مترقی بخصوص کارگران آگاه مورد فشار و آزار قرار گرفتند. با اینحال مبارزات کارگران متوقف نگردید بطوریکه بدنبال اعتصابات در تأسیسات نفتی در خوزستان در سال ۱۳۳۶ رژیم اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد و برای اخلاک‌گران در تأسیسات نفتی مجازات اعدام منظور داشت.

در این سالها تا سقوط رژیم شاه حرکات اعتصابی کارگران تحت تأثیر شرایط اقتصادی-اجتماعی گاه خفیفتر و گاه شدیدتر گردید. در دوران مبارزات دمکراتیک سالهای ۳۰-۴۲ مبارزات کارگری گسترش یافت و گاه رنگ سیاسی بخود گرفت. کارگران در مبارزات خود

با خشونت رژیم فاشیستی شاه روبرو شدند و در بسیاری از موارد فعالین کارگری به زندان افکنده شده مورد شکنجه قرار گرفتند گاه تظاهرات اعتصابی کارگران به کلیه بسته شد و در مواردی چون اعتصاب کارگران کوره پزخانه در سال ۲۸، اعتصاب کارگران جیت جهان در اردیبهشت ۵۰، اعتصاب کارخانه شیمیائی نزدیک تهران در تیر ماه ۵۲ و اعتصاب تابستان ۵۴ در شاه‌هی (قائم شهر) عمده‌زیادی از کارگران شهید و زخمی شدند، با اینحال در بسیاری از اعتصابات کارگران توانستند خواسته‌های خود را به پیش برند.

پس از آغاز جنبش مسلحانه ۱۹ بهمن ۴۹ بعضی از کارگران آگاه به مبارزه مسلحانه روی آوردند و عده‌ای در مبارزه با رژیم شاه شهید شدند. در جریان توده‌ای شدن مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده شاه و روی آوردن میلیونها نفر به مبارزه، کارگران نقش عمده‌ای در پیروزی آن ایفا کردند. اعتصابات وسیع کارگری و در راه آن اعتصاب نفتگران آخرین ضربت را بر پایه‌های لرزان تسلط رژیم زد.

کارگران ایران و جشن اول ماه مه

ای کارگران عید شما امروز است
امروز برای کارگران نوروز است
روزی است که از طنطنه کارگری
سرمایه پرست در گداز و سوز است
از کار ۱۳۰۲ اردیبهشت ۱۳۰۲ مطابق
با اول مه ۱۹۲۳

از نخستین سال قرن ۱۴ هجری شمسی کارگران ایران اول ماه مه را جشن گرفتند. و در سال ۱۳۰۱ نیز کارگرانی به ابتکار شورای مرکزی کارگران ایران که نماینده‌ی ۲۵ اتحادیه کارگری بود، با تعطیل کارخانجات و کارگاهها همستگی خود را با کارگران جهان نشان دادند. در سالهای بعد نیز علیرغم فشارهای تسلط رضاخانی کارگران که از آگاهی نسبی برخوردار بودند، کوشیدند تا اول ماه مه را جشن گیرند. از جمله در سال ۱۳۰۷ سازمانهای کارگری که تجدید حیات یافته بودند، جشن

روز اول ماه مه را در تهران، و شهرهای صنعتی برگزار کردند. بگفته‌ی مجله‌ی ستاره‌ی سرخ، ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران این جشن ماهیستی سیاسی داشت و از طرف آن حزب برگزار شده بود. در این روز در اثر یورش پلیس‌صدها کارگر مبارز دستگیر شدند. خواسته‌های کارگران در این روز عبارت بود از:

- ۱- آزادی اعتصاب
- ۲- آزادی اجتماعات
- ۳- روز کار هشت ساعته
- ۴- ممنوعیت کار کودکان

تظاهرات بزرگ دیگر کارگران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ در آبادان صورت گرفت که طی آن هزاران کارگر نفست علیه شرکت امپریالیستی ایران-انگلیس دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که مدتی زیاد بطول انجامید با دستگیری صدها کارگر فعال سرکوب شد.

در روز اول ماه مه ۱۳۱۰ در اصفهان کارگران نساجی کارخانه‌ی وطن در چهارچوب باغ گرد آمدند و روز کارگر-ان را جشن گرفتند و در ضمن تصمیم گرفتند که در روز ۴ مه برای تحقق خواسته‌های خود از جمله هشت ساعت کار روزانه اعتصاب کنند ولی پس از آغاز اعتصاب، ۲۵ تن از فعالین دستگیر و زندانی و تبعید شدند. با اینحال کارگران پس از چند روز به برخی از خواسته‌های خود رسیدند. پیدایش جنبش اصفهان و اعتصاب آن تحت رهبری سید محمد اسماعیلی بود که هفت سال پس از دستگیری در زندان قصاص درگذشت. او مانند سید مرتضی حجازی علی شرقی، محمد انزلی یا پوررحمتی در عنفوان جوانی به جنبش کارگری پیوسته بود، و همانند آنان نیز در زندان پهلوی به مرگ تدریجی جان داد.

در سالهای پس از دیکتاتوری رضاخانی کارگران توانستند با آزادی بیشتری اول ماه مه را جشن گیرند با اینحال در مراسم ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵، در شهر کرمانشاه ۶ کارگر بدست پلیس بقتل رسیدند. در سال ۱۳۲۵ روز اول ماه مه روز

اول ماه مه . . .

تعطیل رسمی شناخته شد. همچنین ۸ ساعت کار در روز و یکروز تعطیل در هفته مورد پذیرش قرار گرفت.

در سال ۱۳۳۰ در آستانه‌ی روی کار آمدن حکومت مصدق جشن اول ماه مه در سراسر ایران با شکوه برگزار شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد تعطیل اول ماه مه ملغی شد ولی رژیم شاه برای اینکه چهره‌ی ضد کارگری خود را بیوشاند روز تولد

رضا خان را بعنوان روز کارگر تعیین کرد. ولی علیرغم تشبثات سرمایه داری ایران، کارگران ایران چه پنهانی و چه آشکارا در کنار پرولتاریای جهان، اول ماه مه را جشن گرفته‌اند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیز در سال پیش‌کشید از برگزاری اول ماه مه توسط کارگران جلوگیری کند ولی آنک

که دریافت در برابر سیل عظیم کارگران ایران بیارای مقاومت ندارد، خود علمدار برگزاری روز کارگر شد! ولی با وجود فریب خوردن بخشی از کارگران تظاهرات عظیم نیم میلیونی کارگران که مستقل از صفر رژیم انجام گرفت نشانه‌ی نیروی بالقوه کارگران ایران است. امسال نیز خواست کارگران رژیم را مجبور کرد روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) را تعطیل اعلام کند گرچه بعداً کوشش‌های بی‌نتیجه‌ای برای عقب‌انداختن آن روز کارگر به بهانه‌ی انتخابات صورت گرفت. کارگران ایران که در سال گذشته اعتماد شکنی‌ها و کارگرکشیه‌ها رژیم را تجربه کرده‌اند با شناخت بیشتری از چهره‌ی ضد کارگری جمهوری اسلامی، امسال اول ماه مه را با شکوهرتر از گذشته برگزار خواهند کرد و نشان خواهند داد که علیرغم وعده و وعیدهای دولت سرمایه‌داری در چهره-

های مختلف آن به اقدام مستقل و قدرت‌توده‌ای میلیونی خود اتکاء دارند، اقدامی که دیر یا زود بسه نیردی انقلابی برای کسب قدرت سیاسی خواهد انجامید و به استعمار زحمتکشان و سلطه‌ی امپریالیسم پایان داده، دموکراسی پرولتری یعنی دیکتاتوری اکثریت پر اقلیت را به تحقق خواهد رساند.

در تحریر این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- تاریخ جنبش کارگری در اروپا (ولفگانگ آبندروت).
- ۲- اسناد جنبش کارگری... (انتشارات مزدک).
- ۳- اول ماه مه (انتشارات علم).